

مصرف فرهنگی اینترنت و شکل‌نگرفتن هویت مجازی (مردم‌نگاری دانشجویان سه دانشکده ارتباطات، عمران و معماری)

نعمت‌الله فاضلی^۱، حامد طالبیان^۲

چکیده

مصرف اینترنت یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مصرف فرهنگی در زندگی روزمره است. مصرف فرهنگی اینترنت در زندگی روزمره، همچنین یکی از مهم‌ترین منابعی است که به هویت‌های دانشجویی شکل می‌دهد و از آن شکل می‌پذیرد. با اتکا به یکی از نظریه‌های گفتمانی هویت، در این مقاله، با استفاده از داده‌های گردآوری شده حاصل از یکسال کار میدانی در سه دانشکده مختلف، مفاهیم معنایی و گفتمانی اصلی مرتبط با مصرف اینترنت و همچنین تفسیرهای ناشی از تجربه زیسته دانشجویان از کار با اینترنت شناسایی و طبقه‌بندی شده است. شناسایی مقوله‌های اصلی گفتمانی و تجربه زیسته، مقدمه شناسایی نوعی هویت مجازی در میان دانشجویان است اما یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که بر خلاف تصور رایج، هنوز نمی‌توان از نوعی هویت منسجم مجازی در میان دانشجویان سخن گفت.

واژه‌های کلیدی

مصرف فرهنگی اینترنت، گنجینه‌های تفسیری اینترنت، تجربه زیسته اینترنت، روان‌شناسی گفتمانی، روش تحلیلی نظریه مبنايي

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۸/۲۴

nfazeli@hotmail.com

۱. استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

hamed.talebian@gmail.com

۲. کارشناس ارشد علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

❖ سال سیزدهم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۱

مصرف رسانه‌ها بخش عمده‌ای از زندگی روزمره مردم در دوران معاصر را تشکیل می‌دهد. این موضوع به دلیل شرایط ویژه دانشجویان از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است و طراحی پژوهش‌های مختلف درباره جایگاه استفاده از اینترنت در زندگی روزمره دانشجویان را ضروری می‌سازد. یکی از مسائل مرتبط با این موضوع فهم الگوهای بنیادین معنایی و گفتمانی است که نحوه استفاده افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی از این تکنولوژی/رسانه جدید را تعیین می‌کند. این فهم هنگامی ارزشمند خواهد بود که اینترنت به مثابه پدیده‌ای فرهنگی و در بستر زندگی روزمره کنشگران یک فرهنگ مطالعه شود. فرهنگ با معنا سروکار دارد و در اینجا است که با نگاهی درونی می‌توان به فرایندهای معنابخشی دست یافت که دانشجویان را به سمت استفاده ویژه‌ای از اینترنت سوق می‌دهد. نخستین گام این نوشتار مطالعه و شناسایی همین الگوهای معنابخش است. برای رسیدن به شناختی منسجم و کل‌نگر، گام دوم آن است که بفهمیم دانشجویان چگونه در زندگی روزمره خود مصرف اینترنت را تجربه می‌کنند؟ پاسخ به این پرسش چندان آسان نیست. با استفاده از داده‌های آماری، مصاحبه یا مشاهده‌های مشارکتی تنها می‌توان تخمین زد که دانشجویان از چه انواعی از متون رسانه‌ای (صدا، تصویر و نوشته) بیشتر استفاده می‌کنند یا چه موضوع‌ها و سایت‌هایی را بیشتر مرور می‌کنند اما این داده‌ها نمی‌توانند درباره دریافت کاربران از متون موجود در اینترنت اطلاعاتی به دست دهند. همان گونه که مدل رمزگذاری/ رمزگشایی استوارت هال (رک. دیورینگ، ۱۳۸۲) نشان می‌دهد، رمزگشایی، دریافت یا تفسیر دانشجویان از متون اینترنتی رابطه مستقیم و بی‌ابهامی با معانی تعبیه‌شده در این متون ندارد.

از طرف دیگر، دیجیتالی شدن صدا، تصویر و متن، فهم مصارف رسانه‌ای را پیچیده‌تر می‌کند. اینترنت نماد این مسئلهٔ بغرنج است. هم‌گرایی رسانه‌ای در اینترنت همهٔ انواع محتواهای شنیداری و دیداری را در فضایی که مبتنی بر استفاده‌های کاربران است، در اختیار قرار می‌دهد و به راحتی نمی‌توان تخمین زد که دانشجویان هنگام بازدید از یک سایت، متنی را می‌خوانند یا موسیقی دانلود می‌کنند یا عکس خبری نگاه می‌کنند. یکی از مثال‌ها، استفاده‌ای است که بسیاری از دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه صنعتی شریف از آنتن‌های دیجیتال، برای دریافت برنامه‌های صداوسیما بر روی کامپیوترهای شخصی می‌کنند یا دانشجویانی که برنامه‌هایی را که بر سر زبان‌ها می‌افتد، از سایت‌های مختلف صداوسیما دانلود می‌کنند.

این مسئلهٔ مشکلی روش‌شناختی نیز هست زیرا به‌عنوان مثال، دانشجویان معمولاً می‌گویند که مخاطب برنامه‌های صداوسیما نیستند اما عملاً بخشی از مصرف اینترنتی‌شان به‌طور غیرمستقیم مرتبط با تولید رسانه‌ای صداوسیمای ایران است. همچنین امکان دیدن تلویزیون‌های ماهواره‌ای به‌طور رسمی و از طریق بشقاب‌های دریافت امواج ماهواره (دیش) در خوابگاه وجود ندارد اما دانشجویان در خوابگاه با استفاده از نرم‌افزارهای پخش تلویزیون‌های دیجیتال و اینترنت پرسرعت، می‌توانند به بسیاری از برنامه‌های ماهواره حتی به‌طور زنده و آنلاین دسترسی داشته باشند یا به‌طور آفلاین آنها را از سایت‌های مختلف دریافت کنند. دانشجویان، این قبیل استفاده‌ها را در چارچوب مصرف اینترنت قرار می‌دهند درحالی‌که شاید بتوان این استفاده‌ها را در چارچوب استفاده از رسانه‌های سنتی بررسی کرد. برای پاسخ به مشکلات فوق‌روشن‌های کیفی و خصوصاً مردم‌نگاری یکی از مهم‌ترین روش‌هایی است که می‌تواند در بستر زندگی روزمره به مطالعهٔ الگوهای معنایی استفاده از اینترنت به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی پردازد.

مصرف فرهنگی اینترنت در زندگی روزمره، یکی از منابعی است که به هویت‌های دانشجویی شکل می‌دهد و از آن شکل می‌پذیرد. از دل رابطه متقابل میان تجربه اینترنت در زندگی روزمره و جرح و تعدیل نظام‌های معنایی و گفتمانی، سازه‌های هویتی دانشجویان شکل می‌گیرد یا جرح و تعدیل می‌شود. این رویکرد به هویت اساساً رویکردی پساساختارگرا، گفتمانی و پست‌مدرن است که از تقاطع میان نظام‌های کلان معنایی و گفتمانی و تجربه زیسته در زندگی روزمره شکل می‌گیرد. شناسایی این نظام‌های گفتمانی و فهم رابطه مصرف اینترنت با تجربه‌های زیسته دانشجویان در زندگی روزمره به ما کمک خواهد کرد تا به این پرسش پاسخ گوئیم که آیا می‌توان در میان دانشجویان از نوعی هویت مجازی در کنار سازه‌های هویتی دیگر مانند هویت دانشگاهی یا نسلی سخن گفت؟

مرور نظری

این نوشتار با استفاده از روش مردم‌نگاری انجام گرفته است. در مورد نقش نظریه در پژوهش‌های کیفی مناقشه‌های بی‌شماری وجود دارد. با این حال بسیاری از پژوهشگران معتقدند که مرور ادبیات نظری پیش از ورود به میدان پژوهش لازم است. با این حال از ادبیات نظری به منزله «دانش زمینه‌ای» (فلیک، ۱۳۸۷: ۶۵) استفاده می‌شود تا «در بستر این ادبیات به مشاهده‌ها و گزاره‌های تحقیق» (همان) توجه شود.

یکی دیگر از مسائل مهمی که از اهمیت بسیاری برخوردار است، توجه به ماهیت نظریه در پژوهش‌های کیفی است. «حضور نظریه در تحقیق کیفی برای آزمون فرضیه‌ها نیست، بلکه به باز شدن ذهن محقق یا ایجاد حساسیت نظری در وی کمک می‌کند» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۴۲). افزون بر این باید توجه کرد که بیش از دیگر انواع نظریه‌ها، تنها «نظریه‌های کلان»^۱ و «نظریه‌های برد متوسط»^۲ یا «مدل‌های نظری» برای تحلیل و تفسیر

1. Grand Theory
2. Middle Range Theory

داده‌های کیفی مفید خواهند بود (ر.ک به همان؛ فلیک، ۱۳۸۷: ۶۸ - ۶۶). این مقاله به مفاهیم و مدل‌های نظری، رویکردی «جعبه‌ابزاری» دارد به این معنا که به تناسب هر مفهوم و مدل نظری برای تفسیر داده‌های میدانی، هر کجا که لازم بوده از مجموعه‌ای مفاهیم و مدل‌های نظری برای فهم داده‌های کیفی به‌دست آمده در جریان کار میدانی استفاده شده است.

روان‌شناسی گفتمانی، گنجینه‌های تفسیری و تجربه زیسته

روان‌شناسی گفتمانی، شاخه‌ای از نظریه انتقادی است که پیوند جدیدی میان آرای پسااساختارگرایان فرانسوی و یافته‌های آنها در تحلیل گفتمان و نظریه‌های رایج در مکتب کنش متقابل نمادین ایجاد کرده است. این نظریه در ادامه تحولاتی شکل گرفته است که به «پرخش زبانی در علوم انسانی» موسوم شده است. روان‌شناسی گفتمانی تا حدودی متکی به فلسفه ویتگنشتاین است که تجلیات مربوط به حالات روانی را نوعی فعالیت اجتماعی می‌داند و نه تجلی ذات یا جوهری که در پس کلمات وجود دارد. به عبارتی آنچه بیان می‌شود، کنشی است که به بستر اجتماعی خاصی وابسته است و به همین دلیل است که روان‌شناسی گفتمانی برای تحلیل این کاربرد زبانی وابسته به بستر یا مناسبت (گفتمان) و به‌عبارت دیگر تحلیل کاربرد زبان در یک موقعیت مشخص است (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۷۲ - ۱۶۶).

روان‌شناسی گفتمانی از برساخت اجتماعی نگرش‌ها، گروه‌های اجتماعی و هویت‌ها دفاع می‌کند و بیش از هر چیز به نظریه‌ای در باب تکوین هویت متکی است که در دسته نظریه‌های غیرذات‌گرا و گفتمانی هویت قرار می‌گیرد. به باور مک‌دانل «هر چه دلالت‌مند است یا معنی دارد می‌توان بخشی از گفتمان به حساب آورد» (به نقل از میلز، ۱۳۸۲: ۲۱). فارغ از مناقشه‌های نظری گوناگونی که در مورد

❖ چپستی گفتمان و سازوکارهای عمل آن وجود دارد، در این مقاله به کمک روان‌شناسی گفتمانی و به‌خصوص شیوه‌ای که دیدگاهی تلفیقی از دو رویکرد متفاوت روان‌شناسی گفتمانی ارائه می‌دهد^۱، می‌توان به تحلیل شرایطی پرداخت که در آن هویت‌های دانشجویی از طریق زبان شکل می‌گیرد.

«گفتمان‌ها هم فهم ما از واقعیت، هم تصویری را که از هویت خودمان داریم شکل می‌دهند» (همان: ۲۴). متناسب با روش‌شناسی این نوشتار، هدف مردم‌نگاری توصیف فرهنگ و به دنبال آن فهم رابطه‌ای است که کاربرد زبان در شکل بخشیدن به هویت‌ها ایفا می‌کند. تکوین هویت یا خویشتن یکی از مسائل مورد توجه روان‌شناسی گفتمانی است. از دیدگاه روان‌شناسان گفتمانی «ذهن‌ها و خویشتن‌ها در طی درونی شدن گفتمان‌های اجتماعی برساخته می‌شوند» (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

جاناتان پاتر و مارگارت وتزل (۱۹۸۷) به‌جای استفاده از واژه گفتمان، از مفهوم «گنجینه تفسیری» استفاده کرده‌اند تا از جبرگرایی‌ها و رویکرد صرفاً ساختارنگر تحلیل گفتمان انتقادی برکنار بمانند. گنجینه تفسیری، خوشه‌های قابل فهم اصطلاح‌ها و توصیف‌ها هستند که غالباً حول استعاره‌ها یا تصاویر روشن روی هم سوار شده‌اند. این گنجینه‌ها همچون منابعی روان‌شناختی به افراد کمک می‌کند تا روایت‌هایی از واقعیت بسازند. مزیت تفسیر فرهنگ به‌مثابه گنجینه‌ای تفسیری آن است که نشان می‌دهد دستورات عمل‌هایی از پیش برای تفسیر وجود دارد (همان: ۱۸۱ - ۱۸۰). گنجینه‌های تفسیری الزاماً و معمولاً رابطه مستقیم و تجربی با زندگی روزمره ندارد و

۱. شاخه‌های متفاوت روان‌شناسی گفتمانی را می‌توان به ترتیب زیر به سه دسته تقسیم کرد:

- دیدگاه پساساختارگرایانه مبتنی بر نظریه فوکو درباره نظریه گفتمان، قدرت و سوژه؛

- دیدگاه تعامل‌گرا مبتنی بر تحلیل گفتگو و اتنومتولوژی؛

- دیدگاهی تلفیقی از دو رویکرد یادشده.

از این میان به نظریه هویتی گروه سوم در این مقاله توجه شده است.

معمولاً جنبه‌های معنایی، انتزاعی و نظری مرتبط با ساختارهای ذهنی را توصیف می‌کند. این نظریه، ایده‌پاساساختارگرایی را می‌پذیرد که هویت برساخته‌گفتمان است و آن را با ایده‌تعامل‌گرایان تلفیق می‌کند که گفتمان‌ها یا ساخت‌های اجتماعی برای اجرای کنش‌های اجتماعی ضروری است. در تقاطع امر روزمره و گفتمان است که هویت یا خویشتن برساخته می‌شود. اهمیت این نظریه در این است که هم نیروی تشکیلاتی (به‌ویژه اعمال گفتمانی) را به حساب می‌آورد و هم قدرت افراد را در ارتباط با آن اعمال به فراموشی نمی‌سپارد (دوران، ۱۳۸۷: ۷۴). روان‌شناسان گفتمانی هم‌زمان بر نقش گفتمان‌ها و نظام‌های معنایی و از طرف دیگر بر نقش تجربه زیسته بر شکل‌گیری هویت تأکید می‌کنند.

روش‌شناسی

این نوشتار به شیوه مردم‌نگاری انجام شده است. هدف مردم‌نگاری توصیف فرهنگ و زندگی روزمره مردمان عادی است. در این روش، پژوهشگر برای مدت زمان طولانی، مخفیانه یا آشکارا غرق زمینه طبیعی موضوع تحقیق می‌شود. در خلال این کار، مشاهده می‌کند، گوش می‌دهد، پرسش می‌کند و به‌طور کلی هر داده قابل دسترسی را برای درک بهتر موضوعات و پرسش‌هایی که در مرکز توجه مطالعه قرار دارند، گردآوری می‌کند (Have, 2004: 925). بنابراین در مردم‌نگاری، گردآوری داده‌ها، در بیشتر بخش‌ها نسبتاً ساخت‌نیافته است. به این معنی که اولاً پژوهش از ابتدای کار، طراحی ثابت و دقیقی را دنبال نمی‌کند و ثانیاً دسته‌بندی‌هایی که برای تفسیر گفته‌ها و عملکردها آماده می‌شود، در فرایند گردآوری داده‌ها از طریق مشاهده برنامه‌دار یا پرسش‌نامه ساخته نشده است؛ برعکس، آنها در روند تحلیل داده‌ها ساخته می‌شوند. همچنین تمرکز مطالعه معمولاً بر تعداد کمی نمونه صورت

❖ می‌گیرد و کوچک مقیاس (احتمالاً یک محیط یا گروهی از مردم) است. این امر، مطالعه عمیق را آسان می‌سازد.

انتقادهای پست‌مدرن، چهار مشکل اساسی را برای مردم‌نگاری کلاسیک به وجود آورده است. نخست، بازنمایی میدان پژوهش را مسئله‌دار کرده است؛ دوم، ارزشی را که توصیف پرمایه در مردم‌نگاری داشت به چالش کشیده است؛ سوم، اعتبار و قابلیت اطمینان داده‌های مردم‌نگارانه را به پرسش کشیده است و در نهایت بر ساختگی گزارش‌های مردم‌نگاری را یادآوری می‌کند. مردم‌نگاری پست‌مدرن انتقادهای ضد واقع‌گرایی را می‌پذیرد و تلاش می‌کند با استفاده از مفهوم بازاندیشی به تأمل‌های بازنمایانه پست‌مدرن پاسخ گوید. به بیان ساده، مردم‌نگاری پست‌مدرن بازاندیشانه و برکنار از بی‌پایگی‌های پست‌مدرنیسم افراطی است. در اینجا نیز فهم رابطه میان متن و واقعیت از اهمیت بارزی برخوردار است اما از ناتوانی پژوهش تجربی به دلیل گیجی ناشی از نسبی‌گرایی که تصور واقعیت را عقیم می‌کند، اجتناب می‌کند (Coffey & Atkinson, 2001:189). هم‌رسلی و اتکینسون^۱ (۲۰۰۷) در چارچوب انتقاد از «واقع‌گرایی خام» از نوعی «واقع‌گرایی دقیق» دفاع می‌کنند که در آن «تناسب» راهی جایگزین برای جمع‌آوری داده‌های پژوهشی به‌جای اعتبار و پایایی است. در این مقاله از مردم‌نگاری واقع‌گرا به‌عنوان روش‌شناسی و از چارچوب عملی هم‌رسلی و اتکینسون (۲۰۰۷) و جان بروور^۲ (۲۰۰۵) به‌عنوان روش طراحی و اجرای مقاله استفاده شده و در مواردی جرح و تعدیل‌هایی در این دو چارچوب عملی نیز صورت گرفته است. در نمودار (۱) مراحل عملی اجرای این بررسی گزیده شده است.

1. Hammersley & Atkinson
2. John Brewer



نمودار ۱. مراحل عملی پژوهش

در مرحله انتخاب اطلاع‌رسانان، مجموعه‌ای از گزینش‌ها و معیارها برای دسترسی و انتخاب اطلاع‌رسانان صورت گرفته است. در جدول (۱) به مهم‌ترین راهبردهای نمونه‌گیری و انتخاب اطلاع‌رسانان این نوشتار اشاره شده است:

جدول ۱. راهبردهای نمونه‌گیری از میان مشارکت‌کنندگان

| نوع عمده | راهبردها | واحد نمونه‌گیری | حجم نمونه | ملاحظات کلی |
|--|---|------------------------------------|------------------------------------|---|
| - نمونه‌گیری متوالی - نمونه‌گیری موارد نمایا و تطبیق‌پذیر | - فرصت‌گرا/ظهوریابنده - گلوله‌برفی - تأییدی/غیرتأییدی | میدان: دانشگاه افراد: دانشجویان | میدان: سه دانشکده افراد: ۱۲ نفر | - انتخاب افراد از طبقه اجتماعی معین (متوسط) - دسترسی به اینترنت در سطح متوسط - دانشجوی رشته کارشناسی |
| - مورد نوعی - حداکثر پراکندگی - شدت - مورد انتقادی | | | | - داشتن ارتباطات اجتماعی بیشتر - امکان برقراری تعامل و ایجاد دوستی - سادگی دسترسی - انتخاب از دانشجویان از چهار سال مختلف تحصیلی |

کار میدانی فشرده و اصلی این نوشتار از ابتدای بهمن ۱۳۸۹ شروع و تا پایان امتحانات پایان‌ترم سال ۱۳۹۰ ادامه یافته است. در این مدت در فواصل مختلف نگارندگان برای انجام مشاهده‌های مشارکتی و گفتگو با مشارکت‌کنندگان در سه دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی شریف و دانشکده معماری دانشگاه تهران حضور یافتند. بازدید از سایت‌های اینترنتی میدان‌ها، بعضی از مکان‌ها همچون کتابخانه، انجمن‌ها و کانون‌ها، کلاس درس و خوابگاه، همچنین تمرکز بر دو دسته تعامل‌های اجتماعی دانشجویان با دوستان و دانشجویان دیگر و با استادان، مهم‌ترین فعالیت پژوهشی مشاهده‌ای و مشارکتی در خلال انجام کار میدانی بوده است. با پذیرفتن خطر از دست دادن رویکرد انتقادی در کار میدانی به دلیل غوطه‌وری در میدان پژوهش، تلاش شده است تا این ارتباطات و نقش مشارکتی کامل نگارندگان در خلال کار میدانی تثبیت و تقویت شود.

همچنین از سه فن عمده مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های مردم‌نگارانه به روشی که اسپرادل (۱۹۸۴) معرفی کرده و گاه مطالعه اسناد و مدارک مجازی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. با این حال باید تأکید کرد که نگارندگان به تناسب زمینه خانوادگی و تحصیلی از تجربه زیسته گسترده حضور در محیط‌های مختلف دانشگاهی نیز برخوردار بوده‌اند که در بسیاری از موارد هم به‌عنوان یکی از منابع کسب داده و هم به‌عنوان یکی از منابع تفسیر داده‌ها، نقش مهمی در تدوین این بررسی داشته است. در جدول (۲) به فنون ثبت و تحلیل داده‌های به دست آمده از هر یک از فنون گردآوری اطلاعات اشاره شده است.

جدول ۲. روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها

| فن گردآوری داده‌ها | مشخصه‌های روشی | فنون ثبت | فنون تحلیل |
|---------------------|--|---|---|
| مشاهده مشارکتی | <ul style="list-style-type: none"> - پیوستار مشارکت‌کننده مشاهده‌گر/مشارکت‌کننده کامل - باز- فرهنگ‌پذیری - رویکرد امیک، طبیعی‌گرایی - تحلیل افراد - نمونه‌گیری گلوله‌برفی و هدفمند - فرایند نردبانی (دسترسی، حضور، تثبیت نقش و روابط، تثبیت اعتماد، ثبت داده‌ها) - فرایند بازاندیشه (تفکیک نقش پژوهشگر و مشارکت‌کننده در شکل‌گیری داده‌ها) | <ul style="list-style-type: none"> - کاربرد ثبت یادداشت‌های میدانی (مشخصات عمومی، خلاصه گفتگوها، خلاصه فعالیت‌ها، تفسیرها و تحلیل‌های خام و فشرده، ملاحظه‌های روش‌شناختی) - ضبط‌گزینی گفتگوها - پیاده‌کردن گزینی گفتگوها | <ul style="list-style-type: none"> - کدگذاری باز - کدگذاری محوری - کدگذاری گزینی - تفسیر پرمایه - زاویه‌بندی - تحلیل تماتیک |
| مصاحبه مردم‌نگارانه | <ul style="list-style-type: none"> - باز، عمیق، ساخت‌نیافته، آزاد - دوستانه، غیررسمی، در زمینه طبیعی کنش‌ها: صمیمی - نقش پژوهشگر به‌عنوان راهنمای مصاحبه - حرکت از پرسش‌های سفرنامه‌ای بزرگ به پرسش‌های سفرنامه‌ای کوچک - پرسش‌های خطی زمانی - پرسش‌های مثالی و تجربه‌ای - پرسش‌های عاطفی - پرسش‌های راهنما | <ul style="list-style-type: none"> - ضبط‌گزینی گفتگوها - پیاده‌کردن مصاحبه - شیوه خطی و طبیعی - پیاده‌کردن گفتگوها به شکل طبیعی - نگارش گفتگوها به شیوه ادبیات نوشتاری | <ul style="list-style-type: none"> - کدگذاری باز - کدگذاری محوری - کدگذاری گزینی - تفسیر پرمایه - زاویه‌بندی - تحلیل تماتیک |
| سنج‌های غیرواکنشی | <ul style="list-style-type: none"> - اسناد و مدارک مجازی (محتوای به اشتراک گذاشته‌شده در شبکه‌های مجازی و بلاگ‌ها) | <ul style="list-style-type: none"> - ذخیره‌سازی موارد مهم | <ul style="list-style-type: none"> - حاشیه‌نویسی تفسیری بر مطالب مهم |

تحلیل یافته‌ها

روش‌های تحلیلی به‌کار رفته در این بخش، عمدتاً روش‌های مرسوم در نظریه‌مبنایی است. نظریه‌مبنایی نه‌تنها یکی از روش‌شناسی‌های مستقل پژوهش‌های کیفی است که نظام کارآمد و روشمندی برای گردآوری داده، سازمان‌دهی داده و در نهایت تحلیل داده‌ها فراهم می‌کند. در این روش در طی فرایندی رفت و برگشتی به‌تدریج از دل کدها، مفاهیم، از دل مفاهیم، مقوله‌ها و از دل مقوله‌ها نظریه بیرون می‌آید (مولایی، ۱۳۹۰: ۵۴). با این حال باید تأکید کرد که در این نوشتار تنها از روش تحلیلی نظریه‌مبنایی استفاده شده است (Murchison, 2010) و روش‌شناسی و روش اجرا مردم‌نگاری است.

رویکرد کلان ما در این مقاله نظریه‌ای مبتنی بر زبان‌شناسی پساساختارگرا در روان‌شناسی گفتمانی است که معتقد است، سوژگی یا هویت محصول تقاطع گفتمان‌ها یا نظام‌های معنایی و تجربه زیسته است. هرچند که گفتمان‌ها، نظام‌های معنایی موجود و در دسترس سوژه‌ها را تدارک می‌بیند اما تجربه‌های زیسته بشر در خلال زندگی روزمره، امکان جرح، تعدیل، اصلاح و تفسیر مجدد این سازه‌های معنایی را نیز فراهم می‌کند. بنابراین گفتمان‌ها یا گنجینه‌های تفسیری منابعی از پیش موجود و ساختاری نیستند، که منابعی انعطاف‌پذیر برای تعامل و کنش اجتماعی محسوب می‌شوند. یکی از راهبردهای عام در خلال کار میدانی، سوا کردن مفاهیمی که شکل‌گیری آنها ناشی از تجربه زیسته دانشجویان است، از آنهایی است که جنبه گفتمانی دارند و به دلیل زیستن در درون مرزهای گفتمانی خاص ارائه می‌شوند. مقوله‌های گنجینه تفسیری در واقع به جنبه‌های گفتمانی کدگذاری و تحلیل داده‌ها اشاره دارد.

در مقابل، مفاهیم مرتبط با تجربه زیسته، جنبه‌های مختلف تجربه فرهنگی

❖ دانشجویان از کار با اینترنت در زندگی روزمره را برگزیده است. دانشجویان از طریق کنش متقابل نمادین در زندگی روزمره خود به جرح و تعدیل نظام‌های معنایی ذهنی و گفتمانی خود درباره اینترنت می‌پردازند. مقوله‌های تجربه زیسته تلاش کرده است تا با نگاهی درونی، توده‌ای از تجربه‌های زیسته بی‌شکل و پراکنده اطلاع‌رسانان را گزیده کند. این تجربه‌ها که ناشی از کار با اینترنت است به فهم ما از شکل‌گیری هویت‌ها کمک می‌کند.

در طی فرایند کار میدانی، پاسخ‌های عموم مشارکت‌کنندگان به پرسش‌های سفرنامه‌ای بزرگی که مطرح می‌شد از دو روند مجزا پیروی می‌کرد. دسته‌ای از اطلاع‌رسانان پاسخ‌هایی می‌دادند که از ماهیت تجربه‌های زیسته خود در زندگی روزمره الهام می‌گرفت. به‌عنوان مثال، سپهر، یکی از اطلاع‌رسان‌هایی بود که معمولاً تجربه زیسته خود را در قالب پاسخ‌ها می‌ریخت و نقل می‌کرد. هنگامی که از او می‌پرسیم: «از نظر تو دانشجویی یعنی چه؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟»، این‌گونه پاسخ را آغاز می‌کند: «دانشجویی یعنی شب امتحانی بودن... به اندازه نمره درس خواندن... یا مثلاً سر و زبان حرف زدن و از استاد نمره گرفتن را داشتن.»

در مقابل سارا معمولاً پاسخ‌هایی به پرسش‌ها درباره ویژگی‌های شهروندی دانشجویان می‌دهد که به نظر می‌رسد دسترسی او به گفتمان‌های مختلف سیاسی-اجتماعی امکان‌پذیر است. مثلاً شهروندی را این‌گونه توصیف می‌کند:

شهروند خوب معمولاً به قانون احترام می‌گذارد... مثلاً دموکراسی یعنی

اینکه مردم در سرنوشت سیاسی مشارکت داشته باشند... وضعیت کشور به

چه شکلی است مسئله دیگری است اما واقعیت ماجرا این است که حتی

برای رأی ندادن هم باید دلیل داشت.

این موضوع امکانی را فراهم کرده است که در خلال کار میدانی و تحلیل داده‌ها و با اتکا به ملاحظه‌های نظری روان‌شناسی گفتمانی، دو دسته متفاوت از پاره‌گفتارها را شناسایی و طبقه‌بندی کنیم. منظور از گنجینه تفسیری اینترنت، مفهوم «گنجینه‌های تفسیری» است که در روان‌شناسی گفتمانی و توسط وترل و پاتر شناسایی شده است و نظام‌های ذهنی و معنایی دانشجویان درباره مصرف یا تولید متون اینترنتی را بازتاب می‌دهد. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که این جنبه‌های انتزاعی و ذهنی معمولاً در خلال گفتگو و از طریق زبان است که ساخته می‌شود و بعید نیست که در شرایط دیگر و در هنگام گفتگو با پژوهشگری دیگر و به دلایل گوناگون^۱، مفاهیم دیگری نیز در دستور کار زبانی مشارکت‌کنندگان قرار بگیرد (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۸۲-۱۸۱). همچنین پژوهشگران دیگر ممکن است با به‌کاربردن نظام کدگذاری متفاوت، توصیف فرهنگی متفاوتی ارائه دهند. بنابراین، مقوله‌های پیش‌رو اساساً ملاحظه‌های نظری‌ای را بازنمایی می‌کند که در خلال مطالعه نظری برگزیده‌ایم و در خلال کار میدانی بازآفرینی، اصلاح، جرح و تعدیل و در نهایت تثبیت شده است. در مقابل، مقوله‌های تجربه زیسته اینترنت به تفسیرهایی اشاره دارد که دانشجویان از نحوه تعامل خود با اینترنت ارائه داده‌اند و بیش از آنکه ماهیتی گفتمانی داشته باشد، به تجربه‌های پراکنده و سیال دانشجویان در خلال زندگی روزمره اشاره دارد.

۱. یکی از مهم‌ترین این دلایل، نقشی است که ما به‌عنوان پژوهشگر در خلال کار میدانی بر عهده داشته‌ایم. اطلاع‌رسانان به تدریج انگاره پژوهشگر بودن ما را فراموش می‌کردند و گفتگوهای ما بیشتر جنبه درد و دل یا بحث و گفتگوی دوستانه پیدا می‌کرد. به همین دلیل معمولاً در فرایند کار احساس می‌کردیم که دانشجویان چندان توجهی به دستور زبان، کاربرد واژه‌های عینی، رسمی و کاملاً مناسب ندارند. هر چه مدت زمان گفتگوها بیشتر می‌شد و همچنین در دیدارهای ثانویه‌ای که بعد از آشنایی اولیه صورت می‌گرفت، این احساس و درک فزونی می‌گرفت. به‌عبارت دیگر، دانشجویان به‌طور ناخودآگاه این انگاره را درونی می‌کردند که نیازی به توضیح یا شرح عینی وجود ندارد و ما به‌عنوان پژوهشگر به دلیل نزدیک بودن جهان تجربی و زبانی خود به آنها، بخش مهمی از مطالب آنها را پیشاپیش می‌دانسته‌ایم، درک یا تجربه کرده‌ایم.

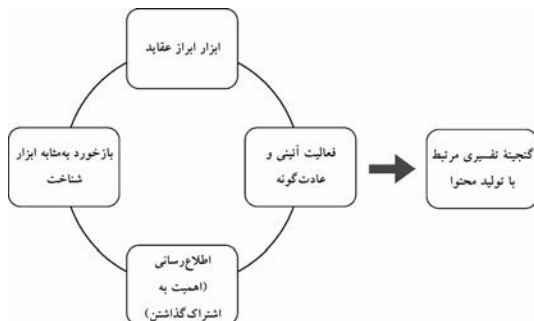
۱. گنجینه تفسیری اینترنت

نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که تفکیک گنجینه‌های تفسیری مرتبط با تولید محتوا و مصرف محتوا اساساً بر ساخته‌ای نظری است. به تناسب اولویتی که فهم نقش اینترنت در زندگی روزمره دانشجویان در این نوشتار داشته، در مرحله کدگذاری و تفسیر یافته‌ها داده‌هایی که مرتبط با تولید یا اشتراک‌گذاری محتوا در اینترنت بوده از داده‌هایی که مرتبط با مصرف محتوا است تفکیک و به‌طور مجزا کدگذاری شده است. در زمینه طبیعی گفتگوها، دانشجویان معمولاً تفکیکی میان این دو مقوله قائل نیستند. به‌عنوان مثال، نرگس هنگام پاسخ به پرسش «اینترنت برای تو چه معنایی دارد؟» این‌گونه پاسخ می‌دهد:

..نوشتنم در فیس‌بوک معمولاً ربطی به این ندارد که ناراحت‌م یا فکری کرده‌ام. خیلی اوقات فقط سلام و احوال‌پرسی با دوستان قدیم و جدید است یا موقعی که وبلاگی را می‌خوانی معنی‌ش این نیست که رفتم سرچ کردم یا کسی معرفی کرده است، خیلی اوقات یک لینک می‌بینم که خوشم می‌آید بازش می‌کنم یکی دو تا پست اول را می‌خوانم ببینم چیست...

الف. گنجینه تفسیری مرتبط با تولید محتوا

مفاهیم اصلی مرتبط با «گنجینه تفسیری تولید محتوا در اینترنت» در مقایسه با مفاهیم مقوله «گنجینه تفسیری مصرف محتوا» و مفاهیم مرتبط با دیگر مقوله‌های اصلی از تنوع و گستردگی کمتری برخوردار است. روند اصلی موجود در روایت‌های دانشجویانی که بیشتر به تولید محتوا در اینترنت اهمیت می‌دهند، حرکتی تدریجی را نشان می‌دهد که از نوشتن پست‌های وبلاگی و کامنت‌گذاری تا اشتراک محتوا در شبکه‌های اجتماعی و نوشتن پست‌های مینیمال در شبکه‌های اجتماعی را شامل می‌شود. نمودار (۲) مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با «گنجینه تفسیری تولید محتوا در اینترنت» را به نمایش گذاشته است.



نمودار ۲. نمودار گنجینه تفسیری مرتبط با تولید محتوا

نباید تصور کرد که مفهوم «فعالیت آئینی و عادت‌گونه» بیانگر نوعی تجربه زیسته در میان دانشجویان است زیرا روایت تجربه زیسته دانشجویان، از وابستگی و تولید عادت‌وار محتوا در اینترنت و دقیق‌تر، پست گذاشتن در شبکه‌های اجتماعی یا وبلاگ‌ها حکایت نمی‌کند. به زبان ساده، تجربه زیسته دانشجویان دلالت بر این امر نمی‌کند که تولید و به اشتراک‌گذاری محتوا عادت‌واره استفاده آنها از اینترنت باشد اما هنگامی که تلاش می‌کنند تفسیر خود از معنای اینترنت را در برهه تولید محتوا ارائه دهند، معمولاً این فعالیت را فعالیتی آئینی و عادت‌گونه تفسیر می‌کنند. همان‌گونه که حمید توصیف می‌کند:

...چیزی نیست که نخواندنش باعث بشود چیزی از دست بدهی. انگار
فیس‌بوک بازی هم عادت شده است. هی ملت می‌آیند و قربان صلوقه هم
می‌روند: دلم برات تنگ شده! کجایی نیستی! امروز صبحانه کله‌پاچه
خوردم! و از این حرف‌ها...

مفهوم «فعالیت عادت‌گونه و آئینی» تا حدود زیادی فعالیت‌های اصلی مرتبط با تولید محتوا، یعنی معمولاً نوشتن و اشتراک‌گذاری را توصیف و تفسیر می‌کند. نوشتن و به اشتراک‌گذاری عادت‌گونه است زیرا معمولاً امور هرروزه دانشجویان را عموماً در شبکه‌های اجتماعی بازتاب می‌دهد و آئینی است زیرا بخش مهمی از آن

❖ مرتبط با چیزی است که ما «استمرار دیجیتال تعامل‌های اجتماعی» نام نهاده‌ایم. همان‌گونه که آئین‌ها و رسوم امکان حفظ میراث‌های تاریخی و فرهنگی یک قوم را امکان‌پذیر می‌سازد و از این طریق به استمرار هویت‌های فرهنگی، ملی، دینی یا قومی منجر می‌شود، ویژگی آئینی تولید محتوا توسط دانشجویان نیز به سهولت، استمرار روابط اجتماعی ضعیف یا مستحکم شدن آنها را ممکن می‌سازد. به‌عنوان مثال، حسام این موضوع را این‌گونه گزارش داده است:

...خیلی از دوستان و آشنایان و رفقای قدیمی و کسانی که می‌شناختم، هستند که شاید سال‌هاست ندیدمشان. همین یک سلام، احوال‌شمایی که توی فیس‌بوک برایشان می‌گذارم یا در کامنت‌ها می‌نویسم که مشتاق دیدار، یک جورهایی باعث می‌شود که ارتباطم با آنها قطع نشود... این جوروی همان صد سالی که همدیگر را می‌بینیم کافیه.

یکی دیگر از نکات بارز قابل‌مشاهده در مفاهیم مرتبط با گنجینه‌های تفسیری اینترنت این است که به سختی می‌توان مفهومی محوری را از میان مفاهیم مختلف انتخاب کرد. این موضوع، به این مسئله برمی‌گردد که رابطه دانشجویان با اینترنت عموماً از جنس تجربه زیسته است تا سازه‌های معنایی نظری و از پیش موجود. تمایل به استفاده از اینترنت در میان دانشجویان در مقایسه با رسانه‌های دیگر بیشتر است و همین می‌تواند یکی از دلایل گسترده‌تر بودن تجربه زیسته دانشجویان باشد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که گسترده شدن و تنوع پرشتاب اینترنت یکی دیگر از دلایل تشدید این موضوع باشد. در نهایت، مسئله واضح این است که دانشجویان به‌جای آنکه ببیندیشند که «اینترنت چیست؟» ترجیح می‌دهند که کاربر اینترنت باشند و این شاید یکی از ویژگی‌های عام تکنولوژی در معنای فرهنگی آن باشد. مفهوم «ابراز عقاید» یا «خودبیانگری»، مقوله‌ای محوری است که مفاهیم مرتبط با آن

مانند: «نوشتن افکار»، «در میان گذاشتن عقاید»، «ارائه دیدگاه خود درباره جهان»، «نوشتن چیزهای مگو» و غیره در ارتباط با دو مفهوم اصلی دیگر یعنی «بازخورد به‌مثابه ابزار شناخت» و «اطلاع‌رسانی» قرار می‌گیرد. به بیان ساده، تفسیر دانشجویان این است که با ابراز عقاید، نخست دیدگاه یا مطلب مهمی در اختیار دیگران قرار می‌گیرد و سپس با مفاهیم مرتبطی چون «پرسیدن نظر دیگران»، «آشنایی با نظر دیگران»، «فراهم شدن امکان گفتگو»، امکان شناخت بیشتر از طریق بازخوردها فراهم می‌شود.

در پایان باید اشاره کرد که منظور از مفهوم «اطلاع‌رسانی» یا «خبر» معنای کلاسیک آن در روزنامه‌نگاری نیست. در واقع این مفهوم برای گردآوری مفاهیمی چون «موسیقی‌های خوب»، «آشنایی با محاسبه عددی»، «نقد تئاترهای روز»، «پست‌های علمی»، «آشنایی با جامعه‌شناسان دوست‌داشتنی» و موارد این‌چنینی جعل شده است. همچنین این مفهوم اصلی به اهمیت به اشتراک‌گذاری نیز اشاره می‌کند. اطلاع‌رسانان این نوشتار حداقل در مرحله نظر و تفسیر، محتوایی را برای به اشتراک‌گذاری ارزشمند تلقی می‌کنند که حاوی جنبه‌ای اطلاع‌رسان و مفید باشد. در واقع، مفهوم اطلاع‌رسانی بخشی از گنجینه تفسیری دانشجویان درباره اینترنت را بازنمایی می‌کند که در آن تولید محتوا به معنای چیزی است که ما آن را «نوشتن و اشتراک‌گذاری مطالب جدی و به درد بخور» نام نهاده‌ایم. به عبارت دیگر، این مفهوم می‌تواند تفکیکی میان اطلاع با دو دسته از شیوه‌های دیگر تولید محتوا ایجاد کند؛ آن دسته از تولید محتواهایی که جنبه آئینی و عادت‌واره دارد و همچنین تولید محتواهایی که مرتبط با تعامل و گفتگوهای اینترنتی دانشجویان از طریق چت و موارد مشابه است و جالب آنکه هیچ مفهوم تفسیری در رابطه با این دو دسته محتوا در گنجینه تفسیری دانشجویان وجود ندارد.

ب. گنجینه تفسیری مرتبط با مصرف محتوا

نخست باید توجه کرد که مفهوم «ابزار»، مهم‌ترین سازه معنایی و ذهنی دانشجویان در پاسخ به پرسش‌های مرتبط با گنجینه تفسیری مرتبط با مصرف محتوا در اینترنت بوده است. در پاسخ به پرسش‌هایی مانند «اینترنت برای تو چه معنایی دارد؟» یا «اینترنت به نظرت چیست؟»، دانشجویان عموماً روایت‌های خود را این گونه آغاز می‌کردند: «وسیله‌ای است که...»، «ابزاری است که...»، «دستگاهی است که...» یا حتی «ماشینی است که...». این موضوع زمانی دلالت‌مند می‌شود که آن را با مفاهیم دیگری چون «رسانه»، «تکنولوژی»، «فرهنگ» یا «هنر» و «زبان» مقایسه کنیم. به عبارت دیگر، گنجینه‌های تفسیری دانشجویان، اینترنت را در دسته ابزارهای تکنولوژیک همچون «اتومبیل»، «مودم»، «لپ‌تاپ» یا «ماشین لباس‌شویی» قرار می‌دهد و برای آن ماهیتی تکنولوژیک فرض می‌کند. بنابراین، در اینجا نیز می‌توان مصادیقی از پیش فرض‌های عام فرهنگی ایرانیان درباره تکنولوژی را مشاهده کرد. همان‌گونه که نیما ادامه می‌دهد: «وسیله‌ای است که می‌توان با آن همه کار کرد، خوب یا بد!» در نمودار (۳) مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با گنجینه تفسیری مصرف اینترنت ارائه شده است.



نمودار ۳. نمودار گنجینه تفسیری مرتبط با مصرف محتوا

نکته جالب این است که هر یک از گنجینه‌های تفسیری فوق مرتبط با دسته‌ای

از دانشجویان است. دانشجویان عمران، عموماً روایت‌هایی ارائه می‌دهند که در آن اینترنت بیشتر ابزاری معطوف به هدف است؛ به این معنا که آنها اعتقاد دارند که بسته به شرایط و اهداف مختلف می‌توان از اینترنت استفاده کرد. دانشجویان علوم ارتباطات بیشتر اینترنت را ابزار رسانه‌ای جدید و تعاملی تلقی می‌کنند که هم بخشی از تصور حرفه‌ای آنها به‌عنوان روزنامه‌نگار یا کارمند روابط عمومی است و هم بخش مهمی از مصرف رسانه‌ای آنها را شکل می‌دهد. هرچند که روایت‌های دانشجویان معماری دو عنصر بالا را در خود دارد اما به این نیز اشاره می‌کنند که ابزار اصلی آنها برای مصرف علمی یا به زبان دقیق‌تر، انجام پاره‌ای از تکالیف (مانند یافتن نقشه‌های مورد نیاز، عکس‌ها و طرح‌ها) نیز هست. به‌عبارت دیگر، اطلاع‌رسانان در پاسخ به پرسش‌هایی در رابطه با فهم آنها از اینترنت عموماً به فعالیت‌ها، مصارف و کاربردهای مختلف خود در اینترنت ارجاع می‌دهند.

همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، دانشجویان معمولاً در پاسخ به پرسش‌های تفسیری، عمدتاً فعالیت‌ها و تجربه زیسته خود را ارائه می‌دهند و به همین دلیل ساخت مفاهیم مرتبط با این مقوله، نوعی انتزاع نظری سطح بالاتر در مقایسه با مفاهیم دیگر را بازتاب می‌دهد. به‌عنوان مثال، نمی‌توان به راحتی استفاده معطوف به هدف را گنجینه تفسیری ویژه دانشجویان عمران و استفاده به‌مثابه رسانه را ویژه دانشجویان ارتباطات تلقی کرد با این حال هر یک از این مفاهیم اصلی به‌طور میانگین بیشتر از سوی دانشجویان یکی از رشته‌های تحصیلی بیان شده است.

مفهوم «اینترنت به‌مثابه ابزار معطوف به هدف» و همبسته‌های معنایی آن یکی از ویژگی عام فقدان تمرکز در تولید و مصرف محتوا در اینترنت را بازتاب می‌دهد و می‌توان آن را در رابطه با تجربه مصرف فراغتی، علمی و شهروندی اینترنت از سوی دانشجویان تفسیر کرد. به‌عبارت دیگر در قالب این مفهوم اصلی و مفاهیم

❖ مرتبط آن در تجربه زیسته دانشجویان، می‌توان کم‌وبیش روندهای عام استفاده از اینترنت در میان دانشجویان را شرح داد. کلیدواژه فهم این مفهوم استفاده‌ای است که دانشجویان از موتورهای جستجو (در غالب موارد گوگل) و شبکه‌های اجتماعی (معمولاً فیس‌بوک) می‌کنند. نخستین تماس دانشجویان با اینترنت معمولاً از طریق جستجوی کلیدواژه‌ای در گوگل برقرار می‌شود. معمولاً جستجوی کلیدواژه‌ای از نوع وب‌گردی نیست و پیشاپیش با هدف مشخصی برای جستجو صورت می‌گیرد که این هدف می‌تواند دسترسی به محتوای رسانه‌ای یا جستجوی مطالب علمی نیز باشد.

مفهوم «ابزاری به‌مثابه رسانه» نیز چارچوب منسجمی دارد که در ارتباط مستقیمی با تجربه زیسته دانشجویان قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، اطلاع‌رسانان عموماً اینترنت را رسانه‌ای تلقی می‌کنند همچون تمام رسانه‌های دیگر. مفهوم اینترنت در گنجینه تفسیری دانشجویان عموماً در دسته وسایل ارتباط جمعی مانند: مطبوعات، رادیو، تلویزیون و ماهواره قرار می‌گیرد و نکته جالب در اینجا این است که اشکال دیگر رسانه‌ای مانند: تلفن همراه، سینما، کتاب، تئاتر و موسیقی در این دسته‌بندی قرار نمی‌گیرد. دانشجویان، تلفن همراه را در کنار تلفن در دسته «مخابرات»، «ابزارهای گفتگو از راه دور»، «رسانه‌های شخصی» و غیره قرار می‌دهند و موارد دیگر را معمولاً در دسته «هنر و ادبیات» طبقه‌بندی می‌کنند. کتاب معمولاً در دسته «دانش»، «علم»، «اطلاعات عمومی» و کمتر در دسته «سرگرمی» قرار می‌گیرد. از همین جا می‌توان تفسیر کرد که کارکرد سرگرمی‌ساز و فراغتی کتاب در گنجینه‌های تفسیری دانشجویان نقش چندان مهمی ندارد و در دسته سرگرمی معمولاً از «سینما»، «موسیقی»، «دی‌وی‌دی»، «فیلم»، «سریال ایرانی و خارجی»، «کنسرت و سی‌دی موسیقی» و کمی عام‌تر از «رسانه‌های تصویری» نام برده می‌شود و در نهایت، پیامک در گنجینه تفسیری دانشجویان جایگاه سیال و جالبی دارد. در زمینه گفتگوهای

سیاسی و اجتماعی، مواردی وجود دارد که دانشجویان از پیامک به‌عنوان «ابزار اعتراض»، «ابزار اطلاع‌رسانی»، «ابزار مبارزه» یا «ابزاری سیاسی» نام برده‌اند اما پیامک به‌طور عام تفاوتی با تفسیری ندارد که دانشجویان از تلفن و ماهواره ارائه می‌دهند. به سادگی دانشجویان معتقدند که پیامک همان مکالمه‌های صوتی است که نوشتاری شده است.

به مفهوم «اینترنت به‌مثابه ابزار تعامل‌های اجتماعی» در توصیف گنجینه تفسیری مرتبط با تولید محتوا در اینترنت نیز اشاره شده است و در آنجا در قالب یکی از مفاهیم اصلی «فعالیت آئینی و عادت‌گونه» به مفاهیمی اشاره کردیم که در ارتباط با نوشتن در شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌ها قرار می‌گیرد در اینجا باید اشاره کرد که همبسته‌های معنایی مرتبط با این مفهوم اساساً تعامل‌های اجتماعی دانشجویان را در زمینه‌ای بومی آشکار می‌کند. بر خلاف خوش‌بینی و اغراقی که در ادبیات جریان اصلی جهانی شدن وجود دارد، حداقل نتایج کار میدانی این نوشتار نشان نمی‌دهد که دانشجویان در تعامل اینترنتی خود تمایلی به برقرار کردن ارتباطات جهانی داشته باشند. تا آنجا که کار میدانی نشان می‌دهد در گنجینه تفسیری مرتبط با مصرف اینترنت مفاهیمی در ارتباط با امر جهانی شده وجود ندارد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که عموماً تفکیک بین تولید یا مصرف محتوا در تعامل‌های آنلاین یکی از موضوع‌های چالش‌برانگیز کار میدانی است. دانشجویان معمولاً روایت‌هایی ارائه می‌دادند که در آن تفاوتی مرزبندی شده میان تولید و مصرف وجود ندارد. تعامل آنلاین در گنجینه تفسیری دانشجویان طیف گسترده‌ای از نوشتن پست در شبکه‌های اجتماعی تا خواندن نظرهای وبلاگ دوستان، از به اشتراک‌گذاری موسیقی در فیس‌بوک تا خواندن آخرین اخبار به

❖ اشتراک گذاشته شده در گوگل ریدر و از لایک زدن^۱ برای پستی جدید تا تلاش برای نوشتن پستی با بیشترین لایک خور را شامل می شود. بهترین راه برای فهم گنجینه تفسیری دانشجویان درباره تعامل اجتماعی در اینترنت، تمرکز بر مفهوم «مشارکت» است. هر نوع محتوایی که از طریق مشارکت کاربران در اینترنت تولید یا مصرف شود از سوی دانشجویان در چارچوب تعامل آنلاین معنا می شود. این موضوع هم با ماهیت تعاملی، هم گرا و مشارکت جویانه وب ۲ سازگار است و هم شاید نوعی تمایل بزرگ تر نسل جوان امروز ایران را بازتاب دهد که خواهان آزادی و مشارکت بیشتر در روندهای سیاسی و اجتماعی است.

متناقض‌نماترین مفهوم در میان این مفاهیم، مفهوم «اینترنت به مثابه ابزار دانش» است. نخست، آنکه منظور از ابزار دانش، دقیقاً مصرف اینترنت برای کاربردهای علمی است و در چارچوب هویت‌های دانشگاهی قابل تفسیر است. به عنوان مثال، دانشجویان جستجوی بهترین برند لباس، تلفن همراه یا جستجوی سایتی را که اطلاعاتی درباره بهترین برندهای لپ‌تاپ ارائه داده باشد، به عنوان نوعی دانش تلقی نمی کنند. به زبان ساده، اینترنت تنها هنگامی ابزار دانش است که به کمک آن در جستجوی مقاله‌ای علمی (چاپ شده در نشریه‌های خارجی یا ایرانی) یا کتابی جدید برآییم. دانشجویان حتی خواندن مطالب سایت‌ها و وبلاگ‌ها را علم به معنای متعارف دانشگاهی آن تلقی نمی کنند. در این قبیل موارد خواندن سایت‌ها نوعی «پیدا کردن علمی و کپ‌زدن^۲» معنا می شود. در مقابل تجربه زیسته دانشجویان هنگام کار با

۱. لایک زدن، واژه‌ای عام است که دانشجویان از آن برای اشاره به انواع سیستم‌های نظرسنجی در محیط شبکه‌های اجتماعی استفاده می کنند. شبکه‌های اجتماعی مختلف سازوکارهای مختلفی برای ابراز نظر به پست‌های جدید دادن که مهم‌ترین آنها دوگانه Like/Dislike و سیستم Rating است که معمولاً از ۵-۰ متغیر است.

۲. کپی کردن: اشاره به فعالیتی دارد که به کمک ابزارهای کامپیوتری، محتوایی را کپی و در جای دیگری فراخوان کنیم. عموم دانشجویان این فعالیت را به شیوه‌ای کنایی برای دزدیدن مطالب دیگران بدون ذکر منبع، رونویسی کردن از تمرین‌ها و تکالیفی که دیگر دانشجویان انجام داده‌اند. و از طرف دیگر به شیوه‌ای استعاری برای اشاره به مواردی چون از سر باز کردن تکالیف درسی و علم‌سازی به کار می‌برند.

اینترنت برای اهداف علمی نشان می‌دهد که روند استفاده علمی از اینترنت دقیقاً همین مفهوم «پیچاندن و کپ زدن» است. مفهوم «اینترنت به‌مثابه ابزار دانش» به پیروی از سازه‌های معنایی آفلاین درباره ماهیت علم در گنجینه تفسیری دانشجویان، اینترنت تنها هنگامی ابزار علمی است که به کمک آن و با سهولت بیشتر در جستجوی مقاله یا کتاب برآییم. در بهترین حالت فرایند کار علمی در گنجینه تفسیری دانشجویان، تفاوتی با فعالیتی کتابخانه‌ای یا فعالیت فیش‌برداری ندارد و تنها تفاوت اینترنت در اینجا، این است که این فرایند را ساده‌تر و دسترس‌پذیرتر می‌کند. مفهوم «اینترنت به‌مثابه ابزار دانش»، به واقع استفاده از ابزاری آنلاین برای جستجو و یافتن مواد آفلاین است و هنگامی که از این ابزار برای انجام تکالیف درسی و یادگیری صوری استفاده می‌شود، «ابزار معطوف به هدفی صوری» است. این سازه مفهومی، یکی از کلیشه‌های مرتبط با علم و یادگیری است که بر اساس آن، دانشجویان یادگیری و علم را تفسیر می‌کنند.

مفهوم «اینترنت به‌مثابه زندگی روزمره» دقیقاً مرتبط با پدیده «وب‌گردی در اینترنت» است. یافته‌های این بررسی، دقیقاً نشان نمی‌دهد که چه میزان و چه بخش‌هایی از فعالیت‌های هرروزه دانشجویان در اینترنت هدفمند و چه میزان از آن وب‌گردی است. این مسئله اهمیت چندانی نیز ندارد اما نفس وب‌گردی^۱ نقش بسیار مهمی در سپهر زندگی روزمره دانشجویان دارد. در واقع، این پدیده، سپهر زندگی روزمره دانشجویان را بسط و گسترش می‌دهد و همچون منبعی حیاتی و جدید در زندگی روزمره دانشجویان ایفای نقش می‌کند و آن را شکل می‌بخشد. همان‌گونه که از همبسته‌های معنایی این مفهوم مانند «وب‌گردی باحال»، «ول‌گشتن در اینترنت»، «وب‌گردی شانس‌ی»، «جستجوی بخت و اقبال»، «چرخ زدن برای گیر آوردن چیزی» نشان می‌دهد،

۱. وب‌گردی معادل واژه Surf کردن که خصوصاً در میان دانشجویان عمران و معماری کاربرد بیشتری دارد به کار رفته است.

❖ وب‌گردی در گنجینه‌های تفسیری دانشجویان معنایی مثبت، روزمره و قهرمانانه دارد. بسیاری از پاره‌گفتارهای دانشجویان در خلال کار میدانی، از غوطه‌ور شدن در دنیای اینترنت حکایت دارد که لذت‌بخش، دوست‌داشتنی، مفرح و ضروری تفسیر می‌شود. بر خلاف دیگر مقوله‌های اصلی مرتبط با اینترنت که اساساً بر مبنای هویت و گفتمان‌های دیگر است، این مفهوم اصلی تنها مفهومی است که به‌نظر می‌رسد رابطه‌ی میان اینترنت و فرهنگ را معکوس می‌کند. تفسیر اینترنت به‌مثابه زندگی روزمره بر خلاف دیگر مفاهیم، تنها برهه‌ای است که در آن اینترنت، فرهنگ می‌سازد. مریم، این موضوع را در ارتباط با تجربه زندگی شبانه این‌گونه تفسیر می‌کند:

معمولاً پای ثابت شب‌نشینی‌هایم در خانه اینترنت است... معمولاً گزینه «شما خوش‌شانس هستی!» گوگل را انتخاب می‌کنم و تا صبح ممکن است هر سایتی را که فکر کنی، بروم... خیلی وقت‌ها هم هست که می‌افتم داخل یک رشته وبلاگ‌ها یا سایت‌ها. پشت سر هم لینک‌های جالب می‌بینی و کلیک می‌کنی... یک دفعه می‌بینی که سه چهار ساعت است بدون اینکه بفهمی فقط داری درباره سیاست، علم یا آشپزی یا فوتبال یا خبر بازیگرها و فیلم‌ها را می‌خوانی... من این جور می‌شوم که هر چیزی ممکن است توجه‌ام را جلب کند و معمولاً عصبانی نمی‌شوم و بگویم مثلاً وقتم تلف شد، کارم ماند، خوابم ماند یا چیزهای دیگر... حتی وقتی که وقت هم ندارم از این کارها می‌کنم... یک جور ولگردی سطح بالاست. به قول قدیمی‌ها هم فال است هم تماشا.

مفهوم تفسیری اینترنت به‌مثابه زندگی روزمره به این دلیل قهرمانانه است که تفسیر دانشجویان از این مفهوم در بسیاری از مواقع مقاومت‌آمیز است. به‌عنوان مثال، روایت‌هایی که از فعالیت‌های شبانه و عموماً مصرف اینترنت و نرسیدن به کلاس‌های درس صبح بیان می‌شود را نباید تنها تفسیری مادی کرد. دانشجویان

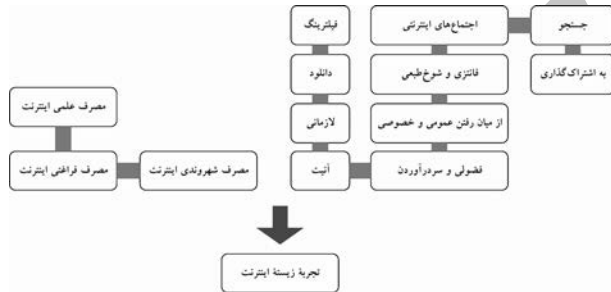
کم‌وبیش آگاهند که با این فعالیت خود به نوعی دست به دهن‌کجی، تمسخر و تحقیر فرهنگ دانشگاهی نیز می‌زنند: «خوب! گوش دادن به پلی‌بک استاد مهم‌تره یا خواندن چهار کلمه حرف جدید؟» مثال دیگر آن تنش‌هایی است که جوانان بر سر میزان و زمان استفاده از اینترنت حتی پس از دانشجو شدن با خانواده‌ها دارند که باز وب‌گردی به مفهومی مقاومت‌آمیز بدل می‌شود و در پست‌های شبکه‌های اجتماعی نمودی بارز می‌یابد: «بابام اومده میگه لااقل بگیر بخواب! گفتم بزار یک شخم^۱ دیگر بزخم بعد، حالا بگید چی شخم بزخم.» همچنین، اینترنت به‌مثابه زندگی روزمره، قهرمانانه است زیرا تنها منبع حیاتی و در دسترس جوانان و دانشجویانی است که به تناسب شرایط سنی و اجتماعی خود، تمایل به فراتر رفتن از مرزهای زندگی روزمره دارند. تصور رستم‌واری که دانشجویان از نقش و رسالت خود در جامعه دارند در این پست شوخ‌طبعانه به خوبی نمایان است: «خیلی خوب!!! جوجه موجه‌ها بروند امشب رو بخوابند که بابا رستم جغد تا فردا مملکت را مدیریت می‌کند.» تناقض موجود در این گفته به زیبایی بیانگر تناقض «تمایل به زندگی قهرمانانه فراتر از چارچوب روزمرگی» با استفاده از «روزمرگی آنلاین» است.

۲. تجربه زیسته اینترنت

تجربه زیسته دانشجویان در ارتباط با اینترنت بسیار غنی‌تر از سازه‌های معنایی‌ای است که به کمک آن تجربه خود را تفسیر می‌کنند. فارغ از این مسئله، بخش عمده‌ای از گزارش‌هایی که دانشجویان ارائه می‌دهند، شرح فعالیت‌های هرروزه آنها در اینترنت است که در این نوشتار ذیل سه مفهوم اصلی «مصرف فراغتی»، «مصرف علمی» و «مصرف شهروندی» کدگذاری و دسته‌بندی شده است. رابطه میان فعالیت‌ها و

۱. شخم زدن مفهومی است که عمدتاً در شبکه اجتماعی Friend feed رواج دارد و به معنی جستجو، پیدا کردن و به اشتراک گذاشتن دوباره پست‌ها و محتواهایی است که کاربران مدت‌ها پیش به اشتراک گذاشته بودند.

❖ تجربه‌های زیسته در این سه دسته نوعی رابطه دال و مدلولی است که در آن تلاش شده است تا از طریق نوعی دلالت‌بخشی به فعالیت‌ها، مدلول‌های مصرف شود. بنابراین دسترسی به تجربه‌های زیسته مرتبط با مصرف اساساً در خلال فرایند کدگذاری باز و سپس تفسیر آنها شکل گرفته است. افزون بر این، پاره‌ای از تجربه‌های دیگر نیز گزارش شده است که الزاماً در مفاهیم مرتبط با مصرف جای نمی‌گیرد. مجموعه این مفاهیم در نمودار (۴) گزیده شده است.



نمودار ۴. نمودار مرتبط با مفاهیم تجربه زیسته اینترنت

تفاوت میان استفاده و مصرف در نتایج کار میدانی در این بخش به خوبی قابل مشاهده است. در قالب سه مفهوم اصلی مصرف می‌توان مهم‌ترین فعالیت‌ها و استفاده‌های دانشجویان از اینترنت را گزیده کرد، اما این فعالیت‌ها و استفاده‌ها خنثی و از پیش تعیین شده نیست. کاربرد اینترنت مستلزم به کار بردن خلاقیت‌ها، ترفندها و راهبردهایی نیز هست. به همین دلیل به نظر می‌رسد که همچون همه فعالیت‌های انسان در زندگی روزمره، کاربرد اینترنت نیز نوعی مصرف فرهنگی خلاقانه است. در اینجا نوعی تشابه و تضاد میان مفاهیم مصرفی و گنجینه‌های تفسیری وجود دارد. مفاهیم «اینترنت به‌مثابه ابزار تعامل»، «اینترنت به‌مثابه زندگی روزمره»، «اینترنت به‌مثابه ابزار رسانه‌ای» و «اینترنت به‌مثابه ابزار معطوف به هدف» به‌خوبی ابزارهای

معنایی لازم برای تفسیر تجربه‌های مصرف فراغتی و شهروندی دانشجویان را فراهم می‌کند و میان این دو دسته از مفاهیم و تجربه‌ها کمتر تضاد و تقابل وجود دارد.

بخش عمده‌ای از گنجینه‌های تفسیری دانشجویان از تجربه‌های زیسته مصرف شهروندی و فراغتی حمایت و پشتیبانی می‌کند. به‌عنوان مثال، دانشجویان عمران از تجربه نقل و انتقال بانکی و تجربه بازی‌های اینترنتی به‌عنوان نوعی تجربه مصرف شهروندی و فراغتی نام می‌برند که در امتداد مفهوم اینترنت به‌مثابه ابزاری معطوف به هدف یا ابزار زندگی روزمره قرار می‌گیرد. دانشجویان ارتباطات از تجربه خواندن خلاقانه خبرگزاری‌ها نام می‌برند که در امتداد مفهوم اینترنت به‌مثابه ابزار رسانه‌ای قابل تفسیر است یا دانشجویان معماری از تجربه به اشتراک گذاشتن طرح‌ها و تکالیف خود از طریق گروه‌های میلی نام می‌برند که مفهوم اینترنت به‌مثابه ابزار تعامل‌های اجتماعی را بازتاب می‌دهد.

در این میان تنها مفهوم «اینترنت به‌مثابه ابزار دانش» است که از وضعیت بغرنج، پیچیده و متناقض‌نمایی برخوردار است. دانشجویان از طرفی در گنجینه تفسیری خود تنها به سازه‌های معنایی دانش به‌عنوان فرایندی آفلاین و کتابخانه‌ای دسترسی دارند و از طرف دیگر در زندگی روزمره خود تنها «پیچاندن علمی و کپ زدن» به کمک اینترنت را تجربه می‌کنند. هرچند که نارسایی نقش علمی اینترنت در دانشگاه را می‌توان به عوامل مادی دیگری چون آنلاین نبودن استادان، فقدان دسترسی کامل به داده‌های معتبر علمی، تسلط نداشتن به زبان انگلیسی و غیره ارتباط داد، تا آنجا که کار میدانی نشان می‌دهد، تناقض موجود میان تجربه‌های زیسته و گنجینه‌های تفسیری اینترنت به‌مثابه ابزار دانش، مهم‌ترین عاملی است که ظرفیت اینترنت را برای تبدیل شدن به عنصری ساختاری در فرهنگ دانشگاهی و پذیرفتن نقش حیاتی در یادگیری از بین برده است.

افزون بر راهبردها و فعالیت‌های مختلف مرتبط با مصرف اینترنت، تجربه‌های دیگری نیز وجود دارد که الزاماً مرتبط با راهبرد یا فعالیت مصرفی خاصی نیست و

❖ به نوعی جنبه‌های عام تجربه زیسته اینترنت را بازنمایی می‌کند. بخشی از این تجربه‌ها جنبه‌ای معنایی و نمادین دارد و بخش دیگر مستقیماً شرایط و محدودیت‌های مصرف اینترنت در ایران را بازتاب می‌دهد.

تجربه «فیلترینگ» و «دانلود» در ارتباط با اشتراک‌گذاری، پهنای باند و امکان پرداخت آنلاین در سایت‌های خارجی، جنبه‌ها و محدودیت‌های عینی مصرف اینترنت در ایران را گزیده کرده است. به بیان ساده، فیلترینگ امکان دسترسی مستقیم به بخش عمده‌ای از محتواهای فارسی و انگلیسی موجود در اینترنت را از بین برده است و با این حال، دانشجویان به این محتواها نیاز، تمایل، علاقه و گرایش دارند. بنابراین در اینجا نیز نوعی «بازی موش و گربه» برای دسترسی به محتوای مطلوب وجود دارد و دانشجویان تلاش می‌کنند تا راهبردهای خود را برای دستیابی به محتوا به آزمون بگذارند و معمولاً نیز «نه! گربه دانشجویان هستند، چون سرعت کم می‌شود ولی همه در فیس‌بوک پست می‌گذارند.»

تجربه دانلود نیز افزون بر مشکلات فوق معمولاً مشکلات پهنای باند و امکان پرداخت آنلاین پول از طریق کارت‌های اعتباری جهانی را به نمایش می‌گذارد. مهم‌ترین مواردی که دانشجویان تمایل به پرداخت پول دارند، استفاده از فیلم‌ها و موسیقی‌هایی است که در سایت‌های مختلف تجاری‌سازی شده است و دسترسی به آنها از طریق انواع نرم‌افزارهای منبع‌بازی مانند تورنت‌ها^۱ وجود ندارد و البته در اینجا نیز دانشجویان راهبردهای خود را دارند. در نهایت، باید اشاره کرد که تجربه این دو مورد معمولاً حکایت از نوعی احساس تمسخر، ناراحتی، عصبانیت، تحقیر و خوارشدگی در میان دانشجویان دارد. نیما، یکی از بهترین گزارش‌ها در اینباره را ارائه داده است:

1. Torrents

... هم خنده‌دار است هم گریه‌دار! خنده‌دار است چون همه می‌توانند با سه سوت فیلتر را دور بزنند. اما همین که مجبور می‌شوی این کار را بکنی برای من گریه‌دار است. با خودم می‌گویم: یعنی چه فکری درباره‌ ما کرده‌اند؟ یعنی شعور خواندن درست همین آینده‌نیوز را هم نداریم؟

«لازماتی» و «آنیت»، دو تجربه‌ای است که می‌توان آن را با ویژگی‌های تکنولوژیک اینترنت ارتباط داد. همه اطلاع‌رسانان تجربه لازماتی و مفاهیم همبسته آن را مانند: «فهمیدن گذر زمان»، «گم کردن وقت»، «شب نشستن تا صبح» و «گم کردن شب و روز» گزارش کرده‌اند. «آنیت» نیز به همراه مفاهیم همبسته آن یکی از گزارش‌های تکرارشونده دانشجویان است. هرچند که در چارچوب اهداف این نوشتار نیست، اما کار میدانی شواهدی از تأثیر این دو تجربه در جنبه‌های دیگر زندگی نشان نمی‌دهد و تنها می‌توان نوعی نارضایتی مضاعف همچون این گزارش سارا را ارائه کرد: «...هر کجای دنیا که بروی می‌بینی که کارمندا هر کدام یک گوشه دنیا نشسته‌اند و آنلاین اسناد مردم و شرکت‌ها را میل می‌کنند اون وقت اینجا برای گرفتن یک اشتغال به تحصیل سه روزت رفته...»

سه مفهوم «فانتزی و شوخ‌طبعی»، «از میان رفتن عمومی و خصوصی» و «فضولی و سردرآوردن» مفاهیمی هستند که تا حدودی در راستای گنجینه تفسیری «اینترنت به‌مثابه ابزار تعامل» قرار دارند. فانتزی و شوخ‌طبعی مفهومی عام در تجربه‌های زیسته دانشجویان است که حتی در پست‌های علمی و بلاگی نیز مشاهده می‌شود: «مهم نیست داستان چه باشد، هرچه باشد تا ظهر نشده به گند کشیده می‌شود، عصر که می‌شود باید دلت را بگیری و فقط بخندی.» «از میان رفتن عمومی و خصوصی» نیز فرایندی عام را شامل می‌شود که در موارد بسیاری روایت‌های دانشجویان نوعی دغدغه نسبت به این مفهوم را بازتاب می‌دهد. به‌عنوان مثال سارا می‌گوید: «از یک طرف دقیقاً نمی‌دانم که چرا عکس‌های خانوادگی‌ام را در فیس‌بوک می‌گذارم اما همیشه هم از این مسئله نگران

❖ هستم.» مورد جالب دیگری که در این رابطه می‌توان گفت دغدغه عمومی یا خصوصی در پست‌های وبلاگی علمی است. مثلاً محمد گزارش می‌دهد که «...چرا باید پستی وبلاگی درباره فلان مسئله ارتباطات بگذارم که بعداً برود در پایان‌نامه یکی دیگر...» و در نهایت مفهوم «فضولی و سردرآوردن» را نیز می‌توان در ارتباط با انواع مصارف فرهنگی مورد «جستجو» قرار داد. مورد جالب آن، فضولی و سردرآوردن هنگام مصرف علمی است. مثلاً حسام می‌گوید: «یک وقت‌هایی می‌افتم به خواندن وبلاگ‌هایی که در بلاگفا علمی ایندکس شده، همه چیزی از نجوم تا علوم سیاسی هست و معمولاً برای اطلاعات عمومی خیلی مفید است.» فضولی و سردرآوردن مفهومی است که برای کدگذاری علاقه بسیاری از دانشجویان به دنبال کردن رخدادهای و فعالیت‌های مرتبط با آشنایان نیز استفاده شده است. دانشجویان معمولاً از طریق دنبال کردن پست‌های وبلاگی و پست‌های شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند تا همچون نشانه‌شناسان دلالت‌های این پست‌ها را دریابند. کدهایی چون «از پست‌هایش به نظر می‌رسید که حالش خراب است»، «پست‌های داغونی می‌زد»، «پست‌هایش تیک می‌زد» یا «پست‌هایش نشان می‌داد که دوباره با پدرش دعوا کرده» به بهترین شکل این ویژگی را به نمایش می‌گذارد.

سه مفهوم اصلی «جستجو»، «به اشتراک‌گذاری» و «اجتماع اینترنتی» کلیدی‌ترین مفاهیم برای فهم تجربه زیسته دانشجویان هستند. جستجو و به اشتراک‌گذاری از جنبه‌های مختلفی قابل توجه است زیرا نخست، به بهترین شکل ماهیت استفاده از اینترنت را به نمایش می‌گذارد؛ دوم آنکه تجربه‌هایی است که در راستای گنجینه‌های تفسیری دانشجویان (اینترنت به‌مثابه ابزار معطوف به هدف، رسانه‌ای و تعاملی) قرار دارد؛ سوم آنکه بخش عمده و گسترده‌ای از فعالیت‌های هرروزه دانشجویان بر اساس این دو مفهوم بنا می‌شود و هر فعالیت اینترنتی معمولاً با نوعی

جستجو یا به اشتراک‌گذاری شکل می‌گیرد و چهارم آنکه منطبق با سازوکارهای زندگی روزمره و انجام فعالیت‌های یکنواخت ولی لذت‌بخش و خلاق است. در پایان باید گفت که شکل‌های مختلف تجربه «اجتماع اینترنتی» و فعالیت‌های اصلی مرتبط با آن، «عضویت در گروه‌های میلی»، «عضویت در فروم‌های عمومی و تخصصی»، «عضویت در شبکه‌های اجتماعی» تنها تجربه‌ای است که توان رقابت با دیگر تجربه‌های زیسته دانشجویان در زندگی روزمره را دارد. این تجربه در واقع امتداد تجربه‌های نسلی دانشجویان در اینترنت است که آن را با اقتباس از گفتگوها در مرحله کدگذاری گزینشی، «دورهمی اینترنتی» نامیده‌ایم. در اینجاست که تجربه پرسه‌زنی در زندگی روزمره که به تناسب پررنگ‌بودن هویت‌های نسلی، نقشی اساسی در زندگی روزمره دانشجویان دارد از طریق اینترنت بازتولید می‌شود، امتداد می‌یابد و در همین تقاطع میان مجاز و واقعیت است که اینترنت نقشی اساسی در زندگی روزمره دانشجویان ایفا می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: شکل‌گیری هویت مجازی؟

همان‌گونه که یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد، مقوله‌ای با عنوان «هویت مجازی» در یافته‌های میدانی این بررسی وجود ندارد. در کدگذاری نتایج مصاحبه‌های مردم‌نگارانه میدانی و یادداشت‌های مشاهده مشارکتی، امکان ساخت سازه‌ای منسجم با عنوان «هویت مجازی» وجود ندارد. فقدان وجود مقوله‌ای با عنوان هویت مجازی و همبسته‌های معنایی آن بیانگر وجود نوعی انحراف از مبانی نظری این مقاله است زیرا بر اساس مبانی نظری روان‌شناسی گفتمانی، از تعامل میان تجربه‌های زیسته و گنجینه‌های تفسیری سازه‌های هویتی فرد شکل می‌گیرد. بنابراین، به نظر نمی‌رسد که دانشجویان تصور منسجم و یکپارچه‌ای از نوعی هویت مجازی به‌عنوان منطقی

❖ افتراقی و گفتمانی (هال، ۱۳۸۶) یا تصویری منسجم و یکپارچه از خود بر مبنای نظریه تعامل‌گرایی نمادین (دوران، ۱۳۸۷) داشته باشند.

در خلال کار میدانی، معمولاً پاسخ‌هایی که دانشجویان به پرسش‌های مرتبط با هویت مجازی فراهم می‌کنند^۱ در یکی دو کد خلاصه می‌شود که عمدتاً میزان استفاده و یا شیوه استفاده از اینترنت را بازنمایی می‌کند. در پاسخ‌هایی چون «کسی که زیاد پای اینترنت می‌نشیند»، «کسانی که دسترسی زیادی به اینترنت دارند»، «کسانی که توان دور زدن فیلترینگ را دارند»، «کسانی که سایت‌های زیادی را می‌شناسند» به لحاظ نظری و روش‌شناختی امکان مجزا ساختن مقوله‌ای با عنوان «هویت مجازی» وجود ندارد.

با وجود آنکه ادبیات نظری نسبتاً گسترده‌ای در رابطه با هویت مجازی وجود دارد، نتایج کار میدانی شواهدی مبنی بر سازه‌ای هویتی با عنوان هویت مجازی را تأیید نمی‌کند. بنابراین یکی از پاسخ‌های ممکن به این انحراف نظری آن است که مقوله‌های تجربه زیسته و گنجینه تفسیری اینترنت به جای آنکه هویت‌ساز باشد، مجموعه‌ای از سازه‌های معنایی است که در تقویت یا تضعیف یکی از مقوله‌های دیگر هویتی مانند هویت نسلی، شهروندی یا دانشگاهی عمل می‌کند. این گنجینه تفسیری هنگامی که تجربه زیسته از آن پشتیبانی کند، خرده‌فرهنگی (گفتمانی) است که در ذیل یکی از مقوله‌های هویتی جنبه‌ای تقویت‌کننده و تسهیل‌گر می‌یابد و اگر تجربه زیسته آن را پشتیبانی نکند، در واقع اینترنت را از فهرست رسانه‌های

۱. یکی دیگر از مشکلات موجود، شیوه پرسیدن سؤال‌هایی در رابطه با هویت مجازی است. Cyber-Identity، Cyber-Culture، E.Culture یا Digital Identity مفاهیم نظری‌ای هستند که الزاماً به کاربرد اینترنت اشاره نمی‌کنند و مفاهیم گسترده و نوین سیاسی، تکنولوژیک و جامعه‌شناختی را با خود حمل می‌کنند. به عنوان مفهوم هوش مصنوعی یا هوش مجازی تقریباً رابطه‌ای با شرایط تکنولوژیکی موجود اینترنت چه در ایران چه در کشورهای دیگر ندارد. بر همین اساس پرسیدن پرسش‌هایی در رابطه با هویت مجازی با اتکا به سازه‌های نظری از پیچیدگی‌های گسترده‌ای برخوردار است.

پرکاربرد دانشجویی حذف می‌کند. این موضوع در بسیاری از گزارش‌های اطلاع‌رسانانی قابل مشاهده است که کمتر از اینترنت استفاده می‌کردند. در میان آنها معمولاً تبیینی میان گنجینه‌های تفسیری آنها دربارهٔ اینترنت و تجربهٔ زیستهٔ آنها وجود دارد. به‌عنوان مثال پونه این موضوع را این‌گونه گزارش می‌دهد:

زمانی که دوست داری فیلم‌های با کیفیت ببینی و سرعت محدود نمی‌گذارد یا وقت‌هایی که در به‌در دنبال دانلود کردن یک کتاب (حالا هر کتابی) هست و نمی‌تونی حتی پول بدی و کتاب را دانلود کنی، بهتره که اصلاً بی‌خیال اینترنت‌بازی بشی یک کار دیگه بکنی.

از طرف دیگر رابطهٔ دانشجویان با اینترنت بیشتر از جنس تجربهٔ زیسته است تا سازه‌های معنایی و گفتمانی. با توجه به فقدان مقوله‌ای با عنوان هویت مجازی، می‌توان گفت که بر خلاف تصور تا حدودی رایج، مصرف اینترنت به هویت‌ها شکل نمی‌دهد. برعکس، مصرف اینترنت است که در امتداد هویت‌های چندپاره و مرکز‌زودهٔ دانشجویان (هویت شهروندی، دانشگاهی و دانشجویی) شکل می‌گیرد و دانشجویان از اینترنت به‌گونه‌ای استفاده می‌کنند که این هویت‌ها طلب می‌کنند. این یافته بر خلاف بخش گسترده‌ای از نظریه‌های ساده‌باورانه معتقد به تأثیر مستقیم و علی تکنولوژی (اینترنت) بر فرهنگ و مخاطبان است و آن‌گونه که کار میدانی این مقاله نشان می‌دهد، بر خلاف تصور، اینترنت خود پدیده‌ای فرهنگی است که در زمینه‌ای فرهنگی عمل می‌کند.

باید به این نکته نیز توجه کرد که مفهوم «اینترنت به‌مثابه زندگی روزمره» در گنجینهٔ تفسیری دانشجویان را می‌توان برهه‌ای تلقی کرد که رابطهٔ تبیینی تا حدودی معکوس می‌شود. در اینجا، این نفس مصرف اینترنت در زندگی روزمره است که به‌عنوان نوعی تجربهٔ زیسته آنلاین می‌تواند شکل‌دهنده و متحول‌کنندهٔ هویت‌های

❖ دانشجویی باشد. با این حال سازه‌های معنایی مرتبط و متناسبی با این فرض در مقوله‌های هویتی دانشجویان وجود ندارد و به همین دلیل در اتکا به این فرض باید با احتیاط بیشتری عمل کرد. به زبان ساده، اینترنت به خودی خود منبعی گفتمانی و هویت‌ساز نیست.

تا آنجا که اطلاع‌رسانان این نوشتار گزارش می‌دهند، اینترنت برای جوانان طبقات متوسط در ایران ابژه‌ای نسلی در دسته رسانه‌های مرتبط با سرگرمی و گذران اوقات فراغت است. کریستوفر بالس^۱، نسل را مجموعه‌ای از انسان‌ها می‌داند که در پاره‌ای از ابژه‌های نسلی سهیم شده‌اند. او این ابژه‌های فرهنگی (شخص، مکان، شیء، رویداد و غیره) را برای ایجاد حس هویت نسلی ضروری می‌داند و لازمه دست‌یافتن به هویت نسلی را اعمال نوعی خشونت نسلی می‌داند (بالس، ۱۳۸۶: ۹ - ۸). برای تأیید این نکته کافی است یکی از گزارش‌های سارا را بررسی کنیم:

...موقعی که بابا از من چیزی می‌پرسد، همیشه آخرش اعصابم می‌ریزد به هم. جراحم هست ناسلامتی و هر کار می‌کنم یاد نمی‌گیره... به همین خاطر است که نسل ما خیلی بیشتر نت‌باز است، چون زودتر سردر می‌آریم که چی کجاست. به نظرم شباهتی که همه به هم داریم در همین نت‌باز بودن و سروکله زدن با کامپیوتر و تکنولوژی باشه...

در همین گزارش مشخص است که فارغ از مصرف، انگاره اینترنت به وجود آورنده حس هویت نسلی است و می‌تواند میان نسل قبل و بعد از خود خطوط تمایز ایجاد کند. در سازه‌های هویتی مرتبط با هویت نسلی دانشجویان نیز، مفاهیم اصلی «به روز بودن» و «مصرف رسانه‌ها» عمدتاً به کار با اینترنت و تصویری که دانشجویان از اینترنت دارند، مرتبط است. به همین دلیل فارغ از مسئله چگونگی

1. Christopher Bollas

مصرف، جایگاه اینترنت در زندگی روزمره دانشجویان را باید در انگاره دانشجویان درباره اینترنت جستجو کرد که می‌تواند حس هویت نسلی به وجود آورد. در اینجا نفس مصرف اینترنت اهمیت چندانی ندارد؛ ذهنیت دانشجویان درباره اینترنت است که اهمیت دارد. به عنوان مثال، پونه در اینباره می‌گوید:

... تازه ما هم نمی‌فهمیم که چه کار باید کرد. این بچه دبیرستانی‌ها الان یک

کارهایی می‌کنند آدم می‌مونه بچه جفله چه جوری این همه کار یاد گرفته...

خوب! از موقعی که عقل و هوش پیدا کردن اینترنت دم دستشان بوده دیگه!

همان‌گونه که این گزارش نشان می‌دهد، میزان وارد بودن به کار با اینترنت یا سطح دانش حرفه‌ای استفاده از اینترنت است که حس هویتی به وجود می‌آورد. اگر حرفه‌ای‌تر بودن، آشنا تر بودن و استعداد بیشتر، حس تمایز نسبت به نسل قبلی را به وجود می‌آورد، در اینجا، حس تمایز با نسل آتی بر اساس کمتر وارد بودن و کمتر سروکار داشتن پدید می‌آید. به همین دلیل است که به نظر می‌رسد برای اینترنت باید جایگاه مستحکم دیگری دست و پا کرد که در آن نه تجربه اینترنت و نه نظام‌های معنایی دانشجویان درباره اینترنت، که خود پدیده‌ای فرهنگی به نام اینترنت، حس داشتن هویتی نسلی را به وجود می‌آورد. در اینجا انگاره (گنجینه‌های تفسیری) دانشجویان درباره اینترنت اهمیت ندارد، که نفس وجود اینترنت اهمیت دارد زیرا ابژه‌ای نسلی برای حس هویت نسلی است و میان نسل قبل و بعد از خود خط تمایز می‌کشد.

منابع و مأخذ

- اسپرادی، جیمز.پ. (۱۳۸۶)، پژوهش فرهنگی: مردم‌نگاری در جوامع پیشرفته، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی.
- استوری، جان (۱۳۸۵)، *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران: آگه.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۶)، «ذهنیت نسلی»، در مجموعه مقالات *فرهنگ و زندگی روزمره (۱)*، ترجمه حسین پاینده، مجله *ارغنون*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷)، *هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها*، تهران: پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- دیورینگ، سایمون (۱۳۸۲)، «مطالعات فرهنگی» (مجموعه مقالات)، ترجمه شهریار وقفی‌پور و نیما ملک‌محمدی، تهران: تلخون.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مولایی، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «مردانگی در موسیقی رب‌ایرانی - فارسی در دهه ۱۳۸۰»، دانشکده علوم‌اجتماعی دانشگاه تهران: پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات فرهنگی و رسانه.
- میلز، سارا (۱۳۸۲)، *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
- یورگنسن، ونیز فیلیپس (۱۳۸۹)، *تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- Brewer, John D. (2000) *Ethnography. In Understanding Social research Series*.
Buckingham: Open University Press.
- Coffey, Amanda, Atkinson, Paul (2001). *The Handbook of Ethnography*. London: Sage.
- Hammersley, Martyn, Atkinson, Paul (2007). *Ethnography: principles in practice*.
London: Routledge
- Have, Paul Ten (2004). *Understanding Qualitative Research and Ethnography*, London:
Sage.
- Murchison, Julian M. (2010). *Ethnography essentials: designing, conducting, and presenting your research*. San Francisco: John Wiley & Sons.
- Potter Jonathan, Wetherell, Margaret (1987). "Discourse and Social Psychology"
- Spradley, James P. (1979). *The Ethnographic Review: The developmental Research Sequence*. Michigan: Holt, Reinhart & Winston.